

درنگی بر؛ ژورنالیزم زرد جنایت سالار پسند
شکرالله کهگدای
(ناشر نشریه « کاروان »)

قسمت ۶

کبیر توخی

(۰۹ جون ۲۰۱۳)

۱۰- ژورنالیسم وابسته؛ تخریب رژیم ها و افراد :

به خاطر بیان روشنتر از وابستگی ژورنالیسم ، بخشهایی از ترجمه فشرده چند مقاله از چند نویسنده که توسط « رستم پور زال » ترجمه شده و زیر عنوانی که مترجم خود برای آن مقالات برگزیده (« نشر و بیان به مدافع غیر وابسته نیاز دارد») و درج «شهروند شماره ۸۸۰ مؤرخ ۱۶ اپریل ۲۰۰۴ گردیده و مترجم نوشته «اسیتون ارالا نگر» که تحت عنوان «وابستگی روزنامه نگاران مستقل» که در نیویارک تایمز ۲۰ سپتمبر ۲۰۰۰ چاپ شده را فشرده ساخته ، اینک قسمت های آن را در ذیل می آورم :

« یک سال و نیم پس از بمباران ۷۸ روزه صربستان توسط پیمان ناتو — که جناب «کهگدای» بنا بر خط حرکتی داده شده تبلیغاتی ، « بقا » ی افغانستان را مشروط به عضویت در آن پیمان می کند - رقیب اصلی پرزیدنت میلوسویچ ، امریکا و متحدین امریکائی آن هستند ، نه اپوزیسیون داخلی .

احزاب ، مطبوعات و رادیو های مخالف او از ناتو ده ها میلیون دلار گرفته اند تا در انتخابات این هفته شر او را بکنند ، من جمله تأثیر تلویزیون دولتی خنثی شود . قبل از بمباران امریکا سالانه تا ده میلیون دالر به اپوزیسیون کمک می کرد . در سال جاری این بودجه به ۲۵ میلیون دالر رسید ... ، واشنگتن به ژورنالیست های «مستقل» اطمینان داده که : ،، نگران نباشند چقدر خرج می کنند ، مبالغ کلانی در راه است ،، «

[با مطالعه این مطلب خواننده به یاد پولهای هنگفتی می افتد که سازمان CIA به « قهرمان مسعود » و اعضای باند «شورای نظار» روسی اش پرداخت ، تا در پیشاپیش تانکهای ارتش متجاوز امپریالیسم جهانخوار امریکا به رد یابی طالبان و القاعده – این ساخته های «سیا» – و مخالفین تجاوز آنکشور به افغانستان مشغول باشند و پولهای هنگفتی که CIA به کرزی و سایر کابینه نشینانش در همین ماه جاری (می ۲۰۱۳) پرداخت شده .

روز ۲۹ سال جاری رابرت جلیارد ، رابط ویژه امریکا در امور یوگوسلاوی و... همچنین در زمینه ژورنالیستهای مستعد صربستان که جهت تعلیمات حرفه ئی به امریکا وارد شده اند توضیحاتی داد. و کورت ویمر در برابر کمیته روابط خارجی سنای امریکا در ۲۶ فبروری ۲۰۰۴ جملات زیر را بیان داشت :

« به وجود آمدن رساله های آزاد ، مصون [بخوان خریده شده از جانب CIA ، مثل نشریه "کاروان" چاپ امریکا] در کشور های در حال توسعه حایز بالا ترین اهمیت برای منافع ایالات متحده است ، « در کار خود شاهد هستیم که رسانه های مستقل در فشار آوردن به دولت های آنکشور ها و ایجاد بستر مناسب برای سرمایه گذاری خارجی ارزش کم نظیری دارند ، « ... مثلاً رسانه های مستقل (بخوان اجیر CIA صربستان با کمک USAID (که بخشی از وزارت خارجه امریکا است - مترجم) مردم را علیه میلو سوویچ بسیج کردند» [*] ؛ « در خصوص شگافتن اسرار دولت ها هم عوض کردن وجدان قضات و مسؤولان بیش از تغییر دادن قوانین مؤثر است . اینهم از عهده برنامه های رادیویی و تبلیغاتی که امریکا رأساً تولید می کند ، ساخته نیست و به رسانه های محلی نیاز دارد »

[و در کشور های آسیائی ، مثل افغانستان اشغالی که ملیونها باشند آن در خارج از مرز های کشور خود به سر می برند ، با همین حربه ، یعنی اجیر نمودن رسانه های خود فروش بیرون از سرحد و یا مهاجر(مثل تلویزیون نور و ...) هم می شود در وجدان « قضات » ، « مسؤولان » و کارمندان اثر گذاشت] .

[*] - رسانه زرد کهگدای ، مانند رسانه های شرف باخته خادی - " افغانستانی " و ضد پشتون ، نیز در کار « بسیج » اقوام و عشائر کشور علیه ملیت شجاع پشتون که مورد خشم امپریالیسم روس ، به ویژه امپریالیسم جنایتکار امریکا قرار دارند ؛ تغییر هرچه زودتر نام افغانستان ؛ عضویتش در ناتو و ... و ... ؛ با بیشر می عرق می ریزد [

نشریه اکسترا (مربوط سازمان انصاف و...) شماره سپتمبر و اکتوبر ۲۰۰۰ خویش مطلب زیر را درج نموده است :

« داد گاه بین المللی برای یوگوسلاوی (ICTY) در روز دوم ماه جون ۲۰۰۰ اعلام کرد پس از ۱۱ ماه بررسی دلیلی نمی بیند در مورد بمباران صربستان توسط ناتو در سال ۱۹۹۱ پرونده (دوسیه) تشکیل بدهد درست پنج روز بعد از آن تاریخ سازمان عفو بین المللی ناتو را به نقض جدی قوانین جنگ متهم کرد و گفت که بمباران رادیو تلویزیون صربستان RTS در تعریف حقوقی جنایات جنگی می گنجد در این بمباران ۱۶ نفر زخمی و ۱۶ نفر ژورنالیست یوگوسلاوی کشته شدند. تحقیقات حقوق دانان کانادائی کریستوفر بلاک نشان داد که امریکا خلاف اساس نامه دادگاه ICTY که قبول کمک مالی جز از طریق سازمان ملل را ممنوع کرده ، ظرف یکسال هفتصد هزار دالر نقد و دو میلیون و سه صد هزار دالر تجهیزات به دادگاه بین المللی رسانده ... » (بخوان رشوه داده تا جنایات ناتو را در یوگوسلاوی محکوم نکند)

« رسانه های امریکائی مثل CNN انکار نمی کند که چندروز پیش از بمباران RTS ، کارکنان خود را از آنجا دور کرد ؛ اما نخواست برای نجات جان همکاران صرب خود خبر را پخش کند، حتا بعد از کشته شدن ۱۶ نفر (ژورنالیست) ، کمیته مراقبت از روز نامه نگاران در نیویارک کشتار ۱۶ همکار خود به دست ناتو را در لست سالانه ژورنالیستهای قربانی خشونت در دنیا جا نداد .»

و حال مثالهای چند از نوشته «سارا ارمنی» :

« عملی کردن شعار و ادعای «آزادی فرهنگی» برای سازمان CIA ارزان تمام نشد. در طول هفده سال آغاز فعالیت آن ، حدود دو میلیون دالر خرچ این ادعای تبلیغاتی گردید. «رادیوی آزادی اروپا» نیز به بودجه ای در آن حد نیاز داشت . برای چاپ و نشر مجلات ادبی — فرهنگی ، در خط سیاست خارجی امریکا ، هم به بودجه ای کلان احتیاج بود. سازمان «سیا» تنها در کشور های اروپائی آن زمان ، اداره و نشر حد اقل بیست مجله ادبی و فرهنگی را به عهده داشت ، از جمله چاپ و نشر مجله ادبی «تفسیر» ، «دیدار» ۱۹۹۰-۱۹۵۴ در انگلیس ؛ مجله «ماه» در آلمان غربی ؛ مجله «جلسه» در اتریش ؛ مجله «جستار» و

مجله تاریخی - دانشگاهی به نام «تاریخ»، مجله «پیش شرط های نظم جهانی»، مجله «طراح» و چندین مجله دیگر.»

«بعد از پایان جنگ سرد در ۱۹۹۰ CIA، قسمتی از آرشیف اسناد خود را بر روی خبر نگاران و محققان باز نمود و اطلاعات دست چنم یا اطلاعات سوخته ای را در اختیار آنان گذاشت [همان کاری را که سازمان امنیت شوروی KGB بعد از فروپاشی آنکشور انجام داد - توخی] هم زمان عده ای از باز نشستگان CIA شاغل در بخشهای مبارزات فرهنگی شروع به نوشتن خاطرات خود نموده یا با خبرنگاران رسانه های خبری از جمله BBC به مصاحبه پرداختند ...».

«در واقع، بخشی از سازمان CIA در لباس وزارت فرهنگ امریکا در سال ۱۹۴۷ برای دستکاری و انحراف فرهنگ کشور های دیگر، در پنج قاره جهان آغاز به کار نمود. عملی کردن منافع و علایق خارجی دولت امریکا در سطح جهانی هدف این سازمان بود. طبق بعضی از اسناد بیرون آمده آنها حد اقل در ۳۵ کشور فعال بودند، حدود ۱۷۰ بنیاد فرهنگی و یا بنیاد خیریه در کشور های گوناگون را حمایت مالی می کردند، رادیوئی به نام «صدای آزادی اروپا» (RFE) با کمک ۲۹ فرستنده رادیوئی و به ۱۷۰ زبان مختلف اخبار جعلی و یا واقعی پخش می نمودند. از دیگر فعالیت های سازمان CIA، بعد از سالها تلاش مستمر، نفوذ در انجمن قلم نویسندگان جهانی پن (PEN) بود. کمک مالی به چاپ و نشر آثار بعضی از نویسندگان غیر چپ یا طرفدار امریکا، معرفی و نقد آثار آنها در مجلات خودی و غیره، راه اندازی نمایشگاه های آثار هنری، برگزاری فستیوال های موسیقی مدرن غیر انتقادی و غیره از دیگر فعالیت های آن سازمان بود. انبار اسلحه و مهمات سازمان CIA شامل اسلحه های فرهنگی نیز بود. روزنامه، مجله، کتاب، کنفرانس، سمینار، نمایشگاه، کنسرت، اهداء جایزه و غیره... سازماندهی مخفی «سیا» برنامه هائی برای گروه ها و انجمن های جوانان، سندیکاهای کارگری، عضو گیری در دانشگاه ها، راه انداختن سازمان های انتشاراتی و مؤسسات خصوصی نیز می شد.»

«سازمان CIA از میان گروه های شغلی مانند: نمایندگان مجلس، استادان دانشگاه، رهبران دانشجویی، دیپلماتها، قضات، وکلاء و سایر تحصیلکرده های اکادمیک که در کارخانه های فکری مشغول هستند، نیز عضو گیری می نمود. CIA سخنرانی های علمی - اجتماعی راه می انداخت، در چاپ و نشر آثار روشنفکران غربی که ضد

امریکائی نبودند سرمایه گذاری می نمود ، نمایشگاه هنر افتتاح می کرد ، صاحب یک آژانس خبرگزاری مهم بود که در هنگام مناسب اخبار جعلی پخش میکرد...»

[و رسانه های زیادی - در شرایط اشغال کشور ما توسط امپریالیسم جنایتکار و غارتگر امریکا و شرکاء - چون سایت استخباراتی (اطلاعاتی) چند بعدی " شورش " که در خارج از کشور از ساختن و پرداختن هیچ نوع جعلیات و اتهامات و توطئه و افتراء علیه وحدت ملی ، علیه ملیت دلیر و آزادی دوست پشتون و علیه انقلابی های تثبیت شده در جنبش انقلابی کشور دریغ نمی ورزد]

« از جمله افرادی که آگاهانه یا ناخود آگاه مورد سوء استفاده قرار گرفته یا در خط تبلیغاتی فرهنگی «سیا» افتادند : میتوان از سوسیالیستهای سر خورده و بریده سابق نام برد. «اینیاتسیو سیلونه» نویسنده کتاب معروف « نان و شراب » ، «جورج اورول» نویسنده کتاب « مزرعه حیوانات » طبق ادعای همکاران سابق CIA ، از اینگونه اشخاص هستند . معتاد نمودن عده ای دیگر از روشنفکران که ضعف اراده داشتند و یا مستعد بودند ، نیز در دستور کار CIA قرار داشت . الکی کردن «ژان پل سارتر ، سیمون دوبورا و جورج اورول» از آنجمله است . بعضی از آثار غیر انتقادی «برتراند راسل» و «بورخس» با بودجه و تبلیغات مناسب CIA چاپ و منتشر شدند . تفسیر ، نقد ادبی ولادیمیر ناباکوف در باره پوشکین شاعر انقلابی روس ، با آب و تاب فراوان در مجلات وابسته به CIA تبلیغ و ترویج می گردید. بعضی از آثار «حرمان هسه ، باسترناک ، ارنست همینگوی ، سولژنیتسین ، کافکا و اندره ژید» ، از جمله دریافت کنندگان یا نامزدان جایزه نوبل ادبیات در حوزه فعالیت فرهنگی سازمان CIA در سطح جهانی تبلیغ می شدند ، همزمان نویسندگان یا هنرمندان مخالف مانند «برشت ، گورکی ، نرودا ، گویا ، پیکاسو و ناظم حکمت» (و در گذشته جک لندن نویسنده معروف ، اینشتین فیزیکدان بزرگ جهان و...) مورد حمله قرار گرفته و یا سعی در گمنام کردن آنها می شد »

[نوشته « دستکاری در فرهنگ جهانی » سارا ارمنی «شهروند» شماره ۶۹۷ - تاریخ ۲۰ جولای

این قلم ، اضافه می نماید که ناشران روزنامه ها ، هفته نامه ها ، ماهنامه ها ، مجله ها و سایر رسانه های نوشتاری و... ، وابسته و یا اجنت همزمان با فعالیت های سیاسی ، استخباراتی (اطلاعاتی) و فرهنگی ، همکاران قلمی خود را که دارای عقاید سیاسی مختلف بوده ، با شیوه های گوناگون ، من جمله افشای نام مستعار آنان به همدیگر و به نشرات رقیب ؛ هکذا ابراز همسویی نظرات ، بیان حرمت و ارادت ، تعریف و تمجید ریاکارانه کتبی با نام مستعار و تأیید شفاهی مواضع سیاسی همکاران قلمی در صحبت های کاملاً خصوصی با هر یک به طور جداگانه و به ادامه آن ثبت آواز شان ... ، نویسندگان را با هم در تقابل قرار داده ، مضامین و نوشتار های آنها را از بستر اصلی (مبارزه علیه امپریالیسم ، استعمار و دولت ها دست نشانده و ارتجاع) انحراف داده شیره مغز آنها را در نقد و انتقاد از همدیگر می کند .